

هَئِرَو = هر

۴۴ - پسوند وَن (چون پسوند پیش):

اَذَوْن = راه ۵۵ جاده، اسپریس

اِيسَوْن = مستولی

۴۵ - پسوند وَنَط، برای بنیستی و فروزه:

اَثْرَوَنَط = تند

۴۶ - پسوند وَر

اُرثَوْر = نمو، روده

۴۷ - پسوند آوَنگَنَه

۴۸ - پسوند شَس، شی (سَس دَدَد، سِی دَدَد)

دَرَفَش = درفش ۵۵ درفرانسه: drap.

اِرشید = پیغمبر.

۴۹ - پسوند هَئِرَو برای نامهای ویژه:

دَاوَنگَنَه = نام یکی از اشخاص مشهور و با

خردمند و راز نگهدار نیز هست.

۵۰ - پسوند هِیَئِرَو:

با تیغ و تیشه سنجیده شود ل.

داهی = بوجود آینده ، خلقت ۵۵ از ریشه «دا» و سد

که دارای آرشهای زیرین است :

۱ - دا و سد = دادن ، در لاتین : dare ، در فرانسه

do-ner

دات و سد = پارسی کنونی : داده = لاتین : datus

داتر و سد = دهند = پهلوی 𐭌𐭎𐭎𐭎 ، 𐭌𐭎𐭎𐭎

ویر 𐭌𐭎𐭎𐭎 = لاتین : dator

۲ - و سد = لاتین : facere = فرانسه : Faire =

انگلیسی : to do = ساختن ، خلق کردن ، گذاردن ، تعیین کردن .

دات و سد (= پارسی کنونی : داد = پهلوی ویر)

= برقرار شده ، قانون ، عدالت .

داتر و سد (= پارسی کنونی : دادار = پهلوی :

𐭌𐭎𐭎𐭎 ، ویر 𐭌𐭎𐭎𐭎) سازنده ، خالق .

۳ - دا و سد = دانستن

۴ - دا و سد = بریدن

دات و سد = دندان

۵ - دا و سد

دوم - پسوندهای هم نه (composé)

۵۱ - پسوند (آن دل) آئینس دل دل

هیدینس دل = کرسی ، مقرر

۵۲ - پسوند آئینی دل دل

دژینی = شرور (۴۵ - پ ، ۷۳ - ک)

۵۳ - پسوند آیری دل دل

تخیری = مایع . از ریشه تک مسو (= پارسی کنونی

تاختن) = دویدن ، روان شدن ، شتافتن ، چکه چکه شدن ، چکیدن

۵۴ - پسوند آک دود ، آک سو ، برای کارور :

نیویاک = شکار کننده .

۵۵ - پسوند آت برای چگونگی :

ارزت دل = سیمین دل = ارزیر و

با واژه لاتین argentum از یک ریشه است .

۵۶ - پسوند آت ، برای کردار :

ورت = پشتیبانی ، از ریشه ورت - پنهان کردن

پوشانیدن ، پناه دادن (صفحه ۵۸ - ک) .

۵۷ - پسوند آن دل دل برای وسیله و فروزه :

چَرَنَ بَرَدَلِدْ = اسباب کار، از ریشه چَر بَرَدَل

(صفحه ۷۱ - ك)

زَلَّيْنِ كَسَوْرَا = زمستانی

۵ - پَسَوْنِدْ اَنِّي بَدَلِدْ ، مانند پَسَوْنِدْ پِش و برای انباز ناگذیر :

بِرِنَ چَنِّي = واجب است که بیافتد (occidendus)

۵ - پَسَوْنِدْ اَمَن بَدَلِدْ ، اَمَن بَدَلِدْ ، برای انباز :

بَرِمَن ر بَدَلِدْ = برده ، از ریشه بَر بَر بَدَل =

بردن .

۶ - پَسَوْنِدْ آي بَدَلِدْ ، برای بنیستی و فروزه :

نَاوِي = روان (این واژه از ریشه نَاو بَدَلِدْ

آب تنی کردن ، تغسیل که در لاتین nare و در فرانسه nager میباشد
می آید) .

۶ - پَسَوْنِدْ آر بَدَلِدْ :

جَوَر = کوشان به ، کوشنده بسوی چیزی

(۱) در اصل snare بوده (کانگا) . در پارسی کنونی شنا و ناو و ناویدن و در فرانسه ،
naviguer = ناویدن از این ریشه است . ناو در پارسی بازش کشتی است و
در لاتین navis (nef از این واژه است) ناوه نیز با این ریشه مناسبت دارد ل

۶۲ - پسوند آری، باده، برای فروزه:

وَذَرِيَّةٌ = برنده

۶۳ - پسوند آن سَلَمٌ، برای کردار، کارور، انباز:

عُذَانَ السَّلَامِ = کشنده از ریشه جن زدن

کشتن، نواختن، فرو کوفتن.

۶۴ - پسوند ثَنَّ یا ثَنَّ، برای کردار.

۶۵ - پسوند ثَوَّنَطٌ، برای انماز:

وَيَبْرِثُ ثَوَّنَطًا = واگستران.

۶۶ - پسوند تَيَّ، برای انباز:

أُپَمِي تَيَّ = بایستی امیدوار بود، لازمست منتظر بود.

۶۷ - پسوند ثَرَّ، ثَرَّ مَلَدٌ:

دَاسْتَرًا = دندان.

۶۸ - پسوند دی آو دَسَدٌ، برای هر گهی:

دَزْدِيَاؤُ وِ دَسَدٍ، از ریشه دَدُو سَو = دادن

۶۹ - پسوند نَبِي:

دَفُشَنِي - فرو گرفته

۷۰ - پَسَوَنَد مَن كَدَلَد ، مان كَدَلَد ، برای افزایش :

دَرِمان و دَوَسَر كَدَلَد دید .

۷۱ - پَسَوَنَد مَينِي كَدَلَد :

دَاسَمَينِي و سَدَد كَدَلَد = سَخِي ۵۵ از ریشه دَس و دَد

توانگر بودن

۷۲ - پَسَوَنَد رِي لَرَد برای کار و فروزه :

وَذَرِي - بالغ ، از ریشه وَذ ، وَذ - زناشوئی کردن .

۷۳ - پَسَوَنَد وَن :

آسْتَرَوَن سَدَد مَلَد دَدَلَد - پلیدی ، که از آ سَد +

سْتَرَد مَلَد (- لاتین = *ster-nere* ، *stru-ere* = to spread ،

to strew) می باشد .

۷۴ - پَسَوَنَد وَر :

مِشَوَر - جفت (بِنَك زَن و بِنَك مَرَد) ، از ریشه

مِط - دوست داشتن : محبت کردن ، التفات داشتن یکی کردن

مِشَر = پهلوی ۱۱۴۶ = پارسی کنونی مهر (فرشته روشنی ،

یدمان ، دوستی) ارهمین ریشه است .

دسته دیگر از پسوندها هستند که چون کم بکار رفته اند
تنها نام آنها برده میشود :

آتنگه ، آهو ، ایم ، ایر ، ایو ، ایس ، ایر
اثر ، اور ، ز ، تن ، ثری ، ثری . تن ، « تم ، تمن » ، « ثی
تی ، « تونگه ، م ، می ، یا (ن) س ، ش ...

بالاخره پسوندهائی هستند که از پیوستن پسوند آمد
به پسوند های ساده ای پدید آمده اند ، برای آنکه آنها به واکرایش
(déclinasion) نامهایی که به آ ختم شده اند بر گرداند چون :

ارونت (ارونِت) ، هوینگه (هوینگه)
نر (نر) آسترون (آسترون) .

۲ - پسوندهای اشتقاقی

این پسوندها به واژه هائی که دارای يك پسوند نخستین می باشند
می پیوندند و این پسوند با شکل خود را نگاه داشته و یا از نظر خوش
آهنگی تغییر نموده و یا گاهی بکلی از میانه میرود چون .

نخست : روچنگه . دوم : روچنگه (پسوند آ) ، روچمین
(پسوند این .) اوچنگه ، اوچیش .

وی و ننگهن از وی و ننگهاؤ = (پدر جمشید)

(صفحه ۴ - ك)

۷۶ - پسوند آين (آين) برای فروزه مشتق از بنیستی:

زرنائين بآرش زرین از زرن (زر كيدا - برق زدن

و زرد بودن و زرن بآرش طلا از ریشه مزبور است و زرنائين كه از

زرن گرفته شده بآرش طلائی و زرین است و در آلمانی نیز Zorn

این ریشه را دارد)

۷۷ - پسوند آن (اون)

مَرشُئِن (مَرش) : خراب کردن و منهدم کردن ؟ یا

مَر + ش) (مَر كيدا به صفحه ۱۵ - ك نگاه کنید)

۷۸ - پسوند آتیه برای آهیبخته:

و نیتیه بآرش ضربه (و نیتیه بآرش فتح ، فرو کوبان

مظفرانه از ریشه و ن بآرش فرو کوفتن ، زدن ، پیدش بردن ، فتح

کردن) در لاتین Vin-cere که واژه فرانسوی Vaincre از آن

ریشه است که آرش آن نیز غلبه و فتح کردن است (و نیز و ن که ریشه

غیر از ریشه مزبور است بآرش گرامی و بزرگ داشتن است در لاتین

venarare واژه فرانسوی venerer بآرش گرامی و بزرگ داشتن از

همین ریشه است .

۷ - پسوند آئین ، برای جا :

گاوین = 𐭪𐭥 = محوطه چهارپایان ؛ از گَو (گاو)

در انگلیسی Cow و در آلمانی Kuh می باشد)

۸ - پسوند آئین ، برای فروزه مشتق :

آهرانیه = متعلق به اهورا یا اهوری ، از آهرا (آهر)

بآرش جانخش ، زندگی دهنده (چنانچه در کانگا نیز دیده میشود :

آهور مزدا سده دلید - کدکوسد - بآرش هستی بخش ،

بزرگ دان ، یا خالق آ که بهر چیز ، قسمت اول مرکب است از آه سده

بآرش هستن ، و آر سده نشانه کار و قسمت دوم مرکب است از مز

کدک بآرش بزرگ و دا وسد بآرش دانستن (۵۰ ، ۳ ، و ؛ صفحه

۸۰ - ک ؛ صفحه ۶ - پ)

۸ - پسوند ایشیت برای برتری (۸ - پ ؛ ۲۲ - د)

مزیشیت از مز (۸۰ - و)

۸ - پسوند چ ، مشتق از ک :

زیر ریچ ؟ (𐭪𐭥 زیر ریچ کدکوسد = دیویکه گیاهها را

مسموم می کند و دشمن مرداد (= جاودانی) است .

۸ - پسوند تر ، برای فروزه جایمندی (situation) و هم سنجی .

(۱۰ - پ؛ ۷۲-د)

وی تر بآرش آنسوی قرار گرفته ، آنسوی واقع شده

آنو جَسْتَر بآرش خیلی زورمند ، قوی تر (از ریشه

وژ بآرش تقویت و پشتیبانی کردن که در لاتین vig-ere می باشد گرفته شده .

۸۴ - پسوند تاَط ' برای آهیدخته :

هَنورَو تاَط ، بآرش هر و سب ، کامل ، فراوانی ، صحت ،

راحتی ؛ از هَنورَو بآرش هر می باشد .

۸۵ - پسوند تِم برای برتری : (۱۰ - پ)

آنو جَسْتِم = فوق العاده قوی یا قویترین ، آنو جی بآرش

نیرومند و نیرومند تر از ریشه وژ (۸۳ - و)

۸۶ - پسوند تُو ، (تَس) برای 'بی گفت' :

آیویتو بآرش روبرو ، در مقابل ، از آیوید می باشد

۸۷ - پسوند ذی؟ ، برای هر گهی .

پسوند نَت که از انباز یا فروزه ای که با « نِت » ساخته شده پدید آمده

سَو کِنِت بآرش درخشان .

۱ - این پسوند بایسوند فرانسوی té = لاتین : tatem, tas در آلمانی : tät ، سنجیده شود (د - ح) (immortalité = امِرِ تاَت که از مر کاد (۱۰ - ک) می آید)

- پسوند یی ' برای فروزه مربوط به چیز (شیء).

- پسوند یی آئو ننگنه (ی آس) ' برای همسنگی :

آئو جیائو بارش قوی تر (۸۵-۸۳-۸۰)

- پسوند شش وهد (در جلوی ا وئی، شش) :

فشوش = آبادان کردن.

- پسوند شید وهد (در جلوی ا وئی، شید) :

تویشید = قوی، از ریشه ت (بصفحة ۱) .وندهای اوستا

(مراجعة شود)

- پسوند ه، هی (س، سی)

سرو ننگنه از سرو بارش کرنای (سرنای)

ب - پسوندهای گهواژه‌های

ریشه های گهواژه‌ای غالباً بواسطه پیوستن يك حرف، مخصوصاً

يك حرف دندانی یا سوتی بزرگ و افزوده میشوند چون :

پرت، (= پارسى دیرینه پرت) از پرت بارش جنگیدن

ارزد از ارد = جاری شدن (رذلدو، رذلد)

(بارش روان و جاری شدن)

- با corne منجیده شود؛ در انگلیسی : horn (س به ه زیاد تبدیل میشود) . ل

نُحُوْفَسٌ از نُحُوْبٍ = خفتن

شهوْنِسٌ = پبشرفتن ، جلو رفتن .

نُحْرُشٌ از نُحْرٌ = ظالمانه رفتار کردن

زَرِشٌ از زَرٌ بچنگ آوردن ، در چنگال گرفتن

دِیُوْژٌ از دِیُوٌ = خدعه کردن ، گول زدن

و بایبوستن ئی یا یسوند ئیش ؛

نُحْرُئِشٌ از نُحْرٌ

نُحْشِنِئِشٌ از نُحْشِنٌ = خشنود^۱ شدن و واژه

نُحْشِنُوْتٌ در اوستا از همین ریشه است ، و نُحْشِنٌ به آرش تیز کردن ، و

نُحْشِنٌ بآرش دانستن و کسب دانش کردن نیز هست .

واژه های همنه

همان قاعده ای که برای ترکیب واژه های سانسکریت ویدیک^۲

موجود است واژه های اوستا هم تقریباً همان قاعده ها را داشته و

در آن ترکیب های گهواژه ای و نامکانی دیده میشود .

ترکیب های گهواژه

ترکیب های گهواژه ای مشتمل است بر يك گهواژه که قسمت

۱ - آیه الله مردوخ « نود » را بآرش حالت دانسته و بکار برده اند (بدنود در مقابل

نُحْشِنُوْد) ل . ۲ - که کتب مقدس هندو « دودا » ها بآن نوشته شده . ل

دوم ترکیب را تشکیل داده و يك پیشوند «پی گفتی» با يك نام که قسمت اول آنرا می سازد .

الف - پیشوندهائی که در ترکیب های گهواژه بکار می روند اینها هستند :

۹ - پیشوند آیتیه آیتیه و بارش بیبالا 'آنسوی' = لاتین : ati (کانکا آرش آنرا

«پس» نوشته ، آیتیه - بر آیتیه در آیتیه پس بردن)

۹ - پیشوند آپییه بارش بسوی ، روی ؛ در لاتین api در یونانی اپید

آپییه - دوا (ن) نَر = مه دار ، میغناک ، بارانی دوا (ن)

نَر = مه ؛ ابر ، از ریشه دوا (ن) ن بارش بکلی پوشیده شدن می باشد)

۹ - پیشوند آیوید ، آپییه بارش پی ، روی ، در لاتین : abhi ، در یونانی

آمفی [آپییه ، آپییه ، آیوید در پارسی آو آف (آیوید - رچ) =

افروختن) در یونانی epi (به واژه épidémie نگاه کنید) بارش

بر بالای ، بالا ؛ نزد يك و نیز در ترکیب ها بارشهای بسیار و افزون

دیده میشود . ۶۲ - ك]

آپییه - گپی بارش نگاهبان زندگانی از گپی بارش

جان که آنهم از گپی بارش زندگی کردن است .

آیبی بیویشت = بسیار یاری کنند از ریشه بَرش

بارش بردن

آیوید - آور بارش پوشیده از ابر ، آور بارش ابر ،

مركب است از آپ + ر لده ؛ آپ در بارش رفتن ، موفق شدن ، تجاوز کردن ، اتفاق افتادن ، کسب کردن می باشد .

آیوید - و نتيه = ، استفراغ ، از ریشه و م = قی

کردن ، استفراغ کردن است در لاتین نیز همین ریشه است : vomere و در فرانسه : vomir و انگلیسی : vomit .

۹۶ - پیشوند آن تری بارش میان ، در (آن تری در پارسی کهنونی : اندر ، در

لاتین : inter در آلمانی : unter ، در انگلیسی : under بارشهای در در داخل در میان ، ۷۶-ك)

آن تری - اُنختیه = قدغن . اُنختیه = کلمه ، گفت ، مرکب

است از وچ (صفحه ۸۷ - ك) = گفتن و تیه ۴۵ .

آن ترشتا بارش اندر ایستادن ، معلق بودن (بین زمین

و آسمان) مرکب است از آنتر + ستا درسته که بارش ایستادن و در لاتین نیز sta re و انگلیسی : stand است .

۹۷ - پیشوند آن بارش در دنبال ، در طول ، و در یونانی : آن می باشد

(۱) این واژه باواژه interdicit يك جور ساختمان دارد ل

در خصوص پیشوند آن، کانکا چنین می نویسد :

پیشوند آن بآرش سزاوار و درخور بودن چه از حیث درجه و چه از حیث تناسب و در یونانی ana می باشد) :

آن - پویشو بآرش چاق باندازم . پویشو به آرش آبادانی

فراوانی .

آن نُختی بآرش صحبت موافق کردن (باقواعد دینی)

اُنختی آرش آن در (۹۶-و) گفته شد

۹۸ - پیشوند آپ بآرش دورشوان ، در لاتین : apa یونانی آن آپ (ههآپ

دند - پیشوندی است که برای دوری ، جدائی و نفی بکار میرود در یونانی

apo و در لاتین ab، abs است در یهلوی ههد در فرانسه و انگلیسی

نیز از این پیشوند استفاده میشود

چون واژه abjuration (پیشوند ab) و واژه abstention

(پیشوند abs) و نیز در فرهنگهای فرانسوی این پیشوند ها را

برای دوری و نفی و جدائی می نویسند . ل

(۲۲ ، ۷۲ ، ۷۷ ، ۸۲ - ک ۲۵ - پ)

آپ - گیتی = گریزش و گریز . گیتی از ریشه گا =

آمدن .

آپ - گیتی = محروم از زندگی . گیتی = جان ، از

ریشه گی = زندگی کردن (۹۵ - و)

آپ - سِتُّ = ناستودن ؛ بد آمدن (از کسی یا چیزی) از ریشه

سِتُّ = ستودن .

۹۹ - پیشوند آو = واپس گرائیدن (در کانگا برای آو آرشهای زیرین

نوشته است : نزدیک ، بسوی ، درزیر ، دور ، و نیز برای نفی بکار می رود

(۶۳ - ك)

آوزا = ترك کردن . زا كسد بآرش انداختن

آودرُ = تند گرفتن از دَر و بدل بآرش داشتن

آوگن = چاله ، گودال از آوگن = چال کردن

گود کردن . گن بآرش کندن است از ریشه گن ، Canal نیز از همین

ریشه است .

۱۰۰ - پیشوند آوید ، آویدُ = بسوی (آوید بآرشهای نزدیک ، بسوی

با ، برعکس . کانگا)

کانگا Canal را از ریشه کندن دانسته در فرهنگهای پارسی نال را بآرش کنال آورده

و برای آن شعری استشهاد کرده اند .

در زبانهای هند و اروپایی کاف و ژ پیش از «ن» حذف می شود مانند know

و نام که اصل آن ژ نامن بوده و ژ حذف شده ، نامن و بعد نام گردیده یعنی چیزیکه

باعث شناسائی میشود (صفحه ۹۲ - ک) پس اگر بتوان قانون گذشته را برنال اطلاق کرد

میشود آنرا از ریشه کنال دانست که کاف آن بر حسب معمول حذف شده . (ذ - ب)

آویز - بَر = بردن یا آوردن . بَرش = بارش بردن است

آویز - میشر = دشمن میترا ، درهم شکننده پیمان استوار

آویز - آم = غیرت ، همت . آم = جرئت داشتن شجاع بودن

- پیشوند آ = بسوی ، تا به (الی) ، (۶۱ - ك) = لاتین : ad

چنانچه در فرهنگهای فرانسوی نوشته شده ، ad مانند پیشوند در فرانسه

بکار رفته و از پیشگذارهای لاتین است که آرش آن ، به ، بسوی ، برای ،

میباشد بسیاری واژه ها دارای این پیشوند هستند که بصورتهای مختلفه :

a ، ac ، ad ، af ، ag ، al ، an ، ap ، ar ، as ، at دیده میشود

چون : aborder ، accaparer ، adverbis ، affiner ، aggraver ،

attribuer ، associer ، arrêter ، apprendre ، annoncer دیده

میشود چنانچه دارمستتر در خصوص این پیشوند میگوید این پیشوند

پیشگذار نیز هست باین معنی که آسک پیشگذار در پارسی عیناً à

پیشگذار فرانسه است و طبق شرح فرهنگ کاسکانیز این موضوع واضح

میشود :

آسک پیشوندی است به آرتهای : بسوی ، نزدیک ، پهلوئی

با ، تا حد = لاتین : ac ، ad ، af = فرانسه : à = نگلیسی : at

آجم = آمدن به ، نزدیک شدن . آجم = رفتن ، آمدن ،

رسیدن (۱۱۱ - و)

ریشه گی = زندگی کردن (۹۵ - و)

آپ - سُنْتُ - با ستودن ؛ بد آمدن (از کسی یا چیزی) از ریشه

سُنْتُ = ستودن .

۹۹ - پیشوند آو = واپس گرائیدن (در کانکا برای آو آرشهای زیرین)

نوشته است : نزدیک ، بسوی ، در زیر ، دور ، و نیز برای نفی بکار می رود

(۶۳ - ك)

آوزا = ترك کردن . زا كسد بآرش انداختن

آودَرُ - تند گرفتن از دَر و بدل بآرش داشتن

آوگَن = چاله ، گودال از آوگَن = چال کردن

گود کردن . گَن بآرش کندن است از ریشه گَن ، Canal نیز از همین

ریشه است .

۱۰۰ - پیشوند آوید ، آوُ - بسوی (آوید بآرشهای نزدیک ، بسوی ،

با ، برعکس . کانکا)

کانکا Canal را از ریشه کندن دانسته در فرهنگهای پارسی نال را بآرش کنال آورده و برای آن شعری استشهاد کرده اند .

در زبانهای هند و اروپایی کاف و ژ پیش از «ن» حذف می شود مانند know و نام که اصل آن ژ نامن بوده و ژ حذف شده ، نامن و بعد نام گردیده یعنی چیزیکه باعث شناسائی میشود (صفحه ۹۲ - ک) پس اگر بتوان قانون گذشته را برنال اطلاق کرد میشود آنرا از ریشه کنال دانست که کاف آن بر حسب معمول حذف شده . (ذ - ب)

آویز - بَرُ = بردن یا آوردن . بَرُ = بارش بردن است

آویز - میثَر = دشمن میترا ، درهم شکننده پیمان استوار

آویز - آم = غیرت ، همت . آم = جرأت داشتن شجاع بودن

- پیشوند آ = بسوی ، تا به (الی) ، (۶۱ - ك) = لاتین : ad

چنانچه در فرهنگهای فرانسوی نوشته شده ، ad مانند پیشوند در فرانسه

بکار رفته و از پیشگذارهای لاتین است که آرش آن ، به ، بسوی ، برای ،

میباشد بسیاری واژه ها دارای این پیشوند هستند که بصورتهای مختلفه :

a ، ac ، ad ، af ، ag ، al ، an ، ap ، ar ، as ، at دیده میشود

چون : aborder ، accaparer ، adverbis ، affiner ، aggraver ،

attribuer ، associer ، arrêter ، apprendre ، annoncer دیده

میشود چنانچه دارمستتر در خصوص این پیشوند میگوید این پیشوند

پیشگذار نیز هست باین معنی که آ = پیشگذار در پارسی عیناً à

پیشگذار فرانسه است و طبق شرح فرهنگ کاسکانیز این موضوع واضح

میشود :

آ = پیشوندی است به آرتهای : بسوی ، نزدیک ، پهلوئی

تا ، تا حد = لاتین : ac ، ad ، af = فرانسه : à = انگلیسی : at

آجم = آمدن به ، نزدیک شدن . جم = رفتن ، آمدن ،

سیدن (۱۱۱ - و)

آ- بَرَسَ - ر = آوردن . بَرَّ : بردن

آ- دَا سَ - و سَ = بدانستن . دَا و سَ : دانستن (و-۵۰)

آ- مَاتَ سَ - كَسَمَ = آماده

آ- مَآ سَ - كَسَمَ = بامتحان در آوردن (صفحه ۱۲-د)

آمادن ، آمودن ، آزمودن ، نمودن ، پیمودن ، فرمودن از ریشه ما كَسَمَ می باشد

آ سَ نیز مانند ا پیشگذار و بهمان آرش و آرشهای پیشوند آ است
آدیم = به این (بدین)

وَهَيْشْتُمْ آ آهوم

آپم آ = بسوی آب (صفحه ۷۹-ك)

۱۰۲ - پیشوند اُپَ = روی ، بسوی ، تا به ، در لاتین : upa ؛ در یونانی :

اوپُ (در کانتگا می نویسد اُپَ = بسوی ، با ، نزدیک ؛ در پارسی
کنونی بصورت «به» در آمده مثال :

اُپَ - چَمَ = تقرب ، نزدیک آمدن . چَمَ = چمیدن

اُپَ - دَا = راه دادن . دَا = دادن (و-۵۰)

اُپَ - ئِیَ = نزدیک آمدن ؛ از ریشه ئِیَ بآرش آمدن ، رفتن

است که در لاتین : l-re میباشد .

۱۰۳ - پیشوند اُس = در بالا = لاتین : ut (اُس ، اُز = آلمانی : aus

= لاتین : ex = انگلیسی : out = پارسی کنونی 'ز' ، آرشهای

آن = برافراشته ، بلند ، بالا ، بسیار ، بی اندازه (ك. ۶۹)

اُس - تَم = بلندترین . فرجامین

اُز - جَس = رفتن روی ، دور شدن ، بر رسیدن (جَس = جَم

۱۱۱ - و)

اُز - گِرَو = نگاه داشتن ، برداشتن . گِرَو = گرفتن

= آلمانی : ergreifen = انگلیسی : grip

اُس - آغ = بیرون از اندازه بد ، بد ، گناهکار . آغ

د = بد ، بدی ، گناه .

اُز - بَر دَکِر = بر گرفتن ، بیرون بردن

با ex porter سنجیده شود ل .

اُز - دا = افراشتن ، بلند ساختن = پارسی کنونی

زدودن (ك. ۸۸ - دا) (و. ۵۰)

اُس - گَن = بر کردن . کن = کردن (و. ۶۹)

اکنون به افزاری که نجرها برای کردن و گود کردن چوب بکار

می برند اِسکینه می گویند و ممکن است با اُس - گَن مناسب

داشته باشد . چنانچه ملاحظه شود اُس ، اُز از پیشوندهای مهمی است

که بسیار مورد احتیاج و کاملاً با *ex* در لاتین که اکنون سایر زبانهای آریائی آن استفاده مینمایند مطابقت مینماید اکنون شاهائی چند از هر دوزده میشود تا مقایسه و سنجیده گردد:

excaver بآرش بر کندن، برون کندن، مرکب است از *ex* آرش بیرون، بر + *caver* بآرش کافتن [*cave* نیز در پارسی کاو یعنی گود میباشد (بفرهنگهای پارسی مراجعه شود) و کاربردن و کاوش نیز از همانست] حال *excaver* را باشکافتن (اشکافتن) میتوان سنجید.

exister = لاتین: *existere* = از *ex + sistere* (sister) دو برابر یا شکل مضاعف *sta-re* در لاتین میباشد. در اوستا نیز ستانده است. *sta-re* و *sistere* = ایستادن = *stand* (اکنون واژه اُس ستان که بآرش برپاشدن، بالاشدن، موجود بودن، پیداشدن است با *exister* می سنجمیم. ل

۱۰۴ - پیشوند نی آه، نیش آه = یائین، در لاتین *ni, nir* می باشد

کاسکا چنین می نویسد: نی آه پیشوندی است بآرش یائین،

بسوی یائین، تویی، بسوی عقب - به پارسی کنونی «ن» و در برابر

اُس و اُز (۱۰۳ - و) می باشد:

نیه - ذال - وَسَد = نیه دا لوه = وَسَد = نهادن
(ریشه دوم دا - ۵۰ - و)

نیه - گز لوه - وَسَد = نگر بستن . گز = دیدن ، آرمایش
کردن .

نیه - وازان^۱ = نو ازان ، از ریشه نیه - وَز = نو ازیدن
می باشد وَز = وزیدن = لاتین : *veh-ere* = فرانسه : *en-voy-er*
در آلمانی = *wehen* ، آرشهای دیگر آن (۱ - به پیش راندن ، به جنبش
آوردن) (۲ - وزن کردن ، در آلمانی : *wagen* = انگلیسی : *weigh* گمان
می رود « وزن » در عربی از همین ریشه باشد . د - ح) (۳ - با ارا به بردن ،
(۴ - رفتن و شتافتن)

نیه - دا لوه - وَسَد = نهادن

نیه - پِرِط = بِرِد . از ریشه پِر = جنگیدن که برخاش
نیز از همین ریشه است .

نیه - فَرین = نفرین (۲۲ - ك)

نیش ، نیش : پیشوندی است آرش خارج از ، بجلو از ،

بیرون .

۱ - ساختمان واژه نیوند (دریاری کهنونی) = فهم ، ادراك با ساختمان واژه انگلیسی
understand که بهمین آرش است منجیده شود

نیشتر آردوسدلد = بیرون

نیش هر تر آردوسدلد = پشتیبانی کننده

زیر حمایت کشنده، هر تر = پشتیبان، از ریشه هر سدلد = حراست

کردن، هر تر = حراست

نیش بر = بیرون بردن

نیش دور = فرو تاختن، فروردانیدن

۱۰۵ - پیشوند پیتی به سدلد = پی (contre)، بر، دوباره = لائین:

pati = یونانی پتی (۶۵-ك)

پیتی - وچ = پاسخ (صفحه ۸۷-ك)

پیتی - آردوسدلد = مخالف رفتن، مقابله کردن

آردلد = رفتن، واژه پیتیار به سدلد = پارسی کنونی:

پتیاره (= بصد کار کننده) از پیتی آرمی باشد.

پیتیت به سدلد (= توبه، پت) ساخته شده از

پیتی + ایت به سدلد = طریقه، روش، راه، عمل (که از ریشه

۱ - راندن در اوستا رن لدد می باشد با to run در انگلیسی سنجیده شود ل.